



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

دکتر سوسن سیف \*

مهرانگیز شعاع کاظمی \*\*

## بررسی علل و عوامل مدرسه‌گریزی دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران سال تحصیلی ۸۱-۸۲

\* استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا

psychology@alzahra.ac.ir

\*\* دانشجوی دکترای روان‌شناسی عمومی

## چکیده

بافت جامعه‌ی ایران، جامعه‌ی جوان است، و از این رو، شناسایی مشکلات مربوط به آن ضروری احساس می‌شود؛ چرا که یکی از اهداف تعلیم و تربیت، پرورش انسان‌هایی است سالم همراه با بهداشت روانی و جسمانی؛ و حساسیت لازم نسبت به این موضوع، یقیناً در سرنوشت آنان تأثیری به‌سزا خواهد داشت. در این راستا، سعی بر آن شد که نخست به پیش‌بینی علل مؤثر بر این پدیده تحت عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده پرداخته‌شود. در روان‌شناسی، این علل را تحت عنوان عوامل ریسک رفتاری می‌شناسند که باعث بروز متغیر ملاک یا پیش‌بینی‌شونده (مدرسه‌گریزی) می‌گردد. سپس، برای دستیابی به این متغیرها سعی شد تا نمونه‌ها از جامعه‌ی دانش‌آموزی انتخاب شود و این پدیده بررسی گردد. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ئی انجام گرفت و از بین مناطق ۱۹گانه‌ی شهر تهران، ۴ منطقه به عنوان خوشه‌های معرف انتخاب شد.

در این تحقیق، ۱۷۹ دانش‌آموز از پایه‌های تحصیلی اول تا سوم دبیرستان در دامنه‌ی سنی ۱۴ تا ۱۸ سال انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌ی تدارک‌دیده‌شده پاسخ گفتند. در بخش تجزیه و تحلیل آماری روش‌های آمار توصیفی (جداول، میانگین، فراوانی، انحراف معیار) و آمار استنباطی ( $X^2$  و معادله‌ی رگرسیون لوجستیک) به کار رفت. نتایج تحقیق نشان داد که نمونه‌های انتخاب‌شده در گروه مشکل‌دار و عادی به‌درستی انتخاب شده‌بودند، زیرا هر یک با اطمینان ۹۱/۳۸٪ و ۸۴/۹۱٪ نشان دادند که به‌درستی در گروه خود قرار گرفته‌اند. در بخش تجزیه و تحلیل، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان بر اساس متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، سهم مشکل مدرسه‌گریزی را به حداقل رساند، زیرا به جز عامل‌های افت تحصیلی، وضعیت اقتصادی خانواده و تأثیر هم‌سالان، سایر متغیرها از عوامل مؤثر و تسهیل‌کننده‌ی پدیده است که با شناسایی آن‌ها می‌توان به کنترل درست و هدایت صحیح این نسل پرداخت.

## کلیدواژه‌ها

دانش‌آموز دختر مدرسه‌گریز؛ انگیزش و علاقه؛ نوع برخورد اولیا؛ هم‌سالان؛ کشمکش و روابط معیوب والدین؛ نگرش؛ افت تحصیلی؛ اضطراب؛ افسردگی

## مقدمه

مسائل و مشکلاتی که در ابعاد آموزشی و تربیتی در مدارس گریبان‌گیر نظام آموزشی جوامع است بسیار متنوع می‌باشد. در این بین، مدرسه‌گزیزی پدیده‌ئی است که به سرعت افزایش یافته و یکی از مشکلات عمده‌ی آموزش و پرورش گردیده‌است. اهمیت این موضوع بیشتر ملموس خواهد بود اگر در نظر داشته‌باشیم که تربیت صحیح نسل جوان، سرمایه‌گذاری مطمئنی است که جامعه در راستای تعالی خود در آینده‌ی نه چندان دور به آن مبادرت می‌ورزد. مدرسه‌گزیزی مشکلی است رفتاری که علاوه بر هدر دادن هزینه‌ها و آسیب‌های مالی به آموزش و پرورش پی‌آمدهای ناخوشایندی نیز برای جامعه، فرد و خانواده دارد. مدرسه‌گزیزی عاملی است بالقوه منفی برای دانش‌آموزان، خانواده، مدارس و جامعه که لزوم توجه و شناخت زمینه‌ها و علل و عوامل مرتبط با این پدیده‌ی رفتاری را بیش از پیش آشکار می‌کند. لازمه‌ی هر اقدام درمانی و پیش‌گیرانه، شناخت علل آن پدیده است. بنابراین با توجه به مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و مشکلات فردی دانش‌آموزان و عوامل درون‌مدرسه‌ئی، می‌توان به راه‌کارهایی برای پیش‌گیری و حل آن‌ها دست یافت.

## بیان مسئله

دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش اصلی‌ترین و مهم‌ترین عنصر محسوب می‌شوند. تمامی تمهیدات و پیش‌بینی‌ها در جریان برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تدارکات در این سیستم در نهایت به دانش‌آموزان منتهی می‌شود. زیرا آماده‌سازی و ایجاد صلاحیت‌های لازم در آن‌ها برای ورود به اجتماعی که خود سازنده‌ی آن خواهند بود هدف نهایی آموزش و پرورش است. بی‌گمان، در این روند، هر قدر به مسائل مربوط به دانش‌آموزان بیشتر توجه شود و

مورد رسیدگی قرار گیرد ساختار آتی اجتماع از استحکام و استواری بیشتری برخوردار خواهد بود.

پدیده‌هایی همچون مدرسه‌گریزی، فرار از خانه، هراس از مدرسه، ترک تحصیل و افت تحصیلی، اگرچه مربوط به دانش‌آموزان است، ولی از مسائل مبتلابه نظام آموزشی می‌باشد. هر یک از این پدیده‌ها، علاوه بر داشتن تأثیر متقابل در دیگری، نتایج و آثار ویژه‌ی خود را نیز دارا است و روش‌های مقابله و برخوردی جداگانه می‌طلبد. در این میان، پدیده‌ی رفتاری مدرسه‌گریزی از جمله مشکلات مبتلابه مدارس و خانواده‌ها است که خود به دلیل عوارض و پی‌آمدهای اجتماعی، روانی و خانوادگی نیازمند بررسی ویژه‌ی است. این مشکل، علاوه بر این‌که از نظر اقتصادی و مالی هزینه‌ی سنگینی را بر جامعه تحمیل می‌کند، مشکلات فراوانی نیز برای خانواده، جامعه و خود دانش‌آموز به بار می‌آورد. مدرسه‌گریزی مقدمه‌ئی است برای ورود به گروه‌های ضد اجتماعی و بزه‌کاری.

در حال حاضر، در اکثر مدارس با این پدیده به شکل صوری برخورد می‌شود؛ از جمله، تنبیه دانش‌آموز، محروم کردن از حضور در کلاس، تعهد گرفتن، آگاه نمودن والدین، جلوگیری از حضور در جلسه‌ی امتحان، سرزنش و تحقیر دانش‌آموز، و در نهایت، حرکت به سوی که تنفر و انزجار دانش‌آموزان را در مدرسه تشدید می‌کند.

بنابراین، لازم است پیش از انجام هر نوع اقدامی این مسئله به طور همه‌جانبه بررسی گردد تا بیش و آگاهی کافی در این زمینه فراهم و سپس در جهت رفع آن اقدام شود.

مدرسه‌گریزی پدیده‌ئی است که در اجتماع رخ می‌دهد و پیش از هر عمل پیش‌گیرانه نیاز است تا علل و عوامل به‌وجودآورنده‌ی آن شناسائی شود. اسمیت<sup>۱</sup> در ۱۹۹۶ تحقیقی انجام داد درباره‌ی دو گروه مدرسه‌گریزهای ثبت‌نام‌شده و مدرسه‌گریزهای ثبت‌نام‌نشده. نتایج تحقیق نشان داد که با افزایش

1. Smith

سن، میزان گریز از مدرسه افزوده می‌شود؛ در ضمن، علاقه‌ی دانش‌آموزان مدرسه‌گریز به مدرسه کمتر از دانش‌آموزان عادی است. او دلایل مدرسه‌گزیزی را در ۵ طبقه دسته‌بندی نمود:

۱- نگرش منفی و تنفر از مدرسه.

۲- سختی درس‌ها.

۳- آزار توسط هم‌سالان و سایر کارکنان مدرسه.

۴- تأثیر از هم‌سالان.

۵- ترس از معلم.

عده‌ئی از تحقیق‌شونده‌ها هم هیچ دلیلی را ذکر نکردند. این عوامل عمدتاً عوامل مدرسه‌ئی بوده که در بین آن‌ها سختی دروس و نگرش منفی نسبت به مدرسه از علل اصلی بود.

### ضرورت و اهمیت پژوهش

در بحث از ضرورت و اهمیت مسئله، باید به پی‌آمدهای فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و روانی آن توجه نمود. این مشکل به عنوان سدی در مقابل بروز و شکوفایی استعداد دانش‌آموزان قرار می‌گیرد و هم‌چنین به گسترش رفتارهای نابه‌هنجار نیز کمک می‌کند. از آن‌جا که جامعه را افراد، ارتباطات و قوانین اجتماعی شکل می‌دهد لذا جامعه‌ئی سالم، نیازمند داشتن افرادی به‌هنجار به عنوان اعضای جامعه می‌باشد.

سهل‌انگاری والدین، مدرسه و مسئولان از نظر شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ی پدیده‌ی مدرسه‌گزیزی، علاوه بر افت تحصیلی، منجر به اعمال بزه‌کارانه در سطح جامعه شده و عواقب و تبعات خاص خود را در پی خواهد داشت. تحقیقات بسیاری در خارج از کشور برای بررسی علل و عوامل به‌وجودآورنده‌ی این مشکل انجام شده‌است. اما با توجه به این‌که این مشکل تا حدودی وابسته و متأثر از فرهنگ، بافت و بوم هر کشوری می‌باشد،

ضرورت دارد که علل و عوامل آن در مناطق مختلف شناخته شده و برای رفع آن اقدام گردد.

بنابراین، با توجه به اهمیت شناخت عوامل مدرسه‌گزینی در پیش‌گیری، درمان و جلوگیری از پی‌آمدهای نامطلوب آن و عنایت به این‌که در کشور ما، پژوهش در زمینه‌ی بررسی علل و عوامل مرتبط با مدرسه‌گزینی بسیار اندک و ناچیز است، ضرورت و اهمیت این پژوهش را می‌توان تبیین نمود.

### اهداف پژوهش

اهداف این پژوهش بررسی میزان تأثیر عوامل زیر بر گریز از مدرسه است:

- ۱- انگیزش و علاقه‌ی تحصیلی.
- ۲- نوع برخورد اولیای مدرسه.
- ۳- ایجاد گرایش به مدرسه‌گزینی به وسیله‌ی همسالان.
- ۴- کشمکش‌ها و روابط معیوب عاطفی خانواده.
- ۵- نگرش نسبت به مدرسه و تحصیل.
- ۶- رسیدگی والدین به امور تحصیلی.
- ۷- افت تحصیلی.
- ۸- اضطراب.
- ۹- افسردگی.

### فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین میزان انگیزش و علاقه‌ی تحصیلی، و رفتار گریز از مدرسه رابطه وجود دارد.
- ۲- بین نوع برخورد اولیای مدرسه و مدرسه‌گزینی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین تأثیر همسالان در ایجاد گرایش به مدرسه‌گزینی و رفتار گریز از مدرسه رابطه وجود دارد.

- ۴- بین کشمکش‌ها و روابط معیوب عاطفی خانواده و رفتار گریز از مدرسه رابطه وجود دارد.
- ۵- بین نگرش نسبت به مدرسه و تحصیل و مدرسه‌گریزی رابطه وجود دارد.
- ۶- بین رسیدگی والدین به امور تحصیلی و مدرسه‌گریزی رابطه وجود دارد.
- ۷- بین افت تحصیلی و مدرسه‌گریزی رابطه وجود دارد.
- ۸- بین اضطراب و افسردگی و مدرسه‌گریزی رابطه وجود دارد.

### پیشینه‌ی پژوهش

#### نگاهی به تعاریف و جایگاه مدرسه‌گریزی

تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای مدرسه‌گریزی انجام شده‌است که همه‌ی آن‌ها نقاط مشترک و متفاوت زیادی دارند. *مشکلات رفتاری و مشکلات تحصیلی* گلزاری (۱۳۶۸) ویژگی‌های مدرسه‌گریزان را چنین بیان می‌کند: «دانش‌آموز مدرسه‌گریز به درس بی‌علاقه است و دانش‌آموزی ضعیف و تنبل به حساب می‌آید؛ غیبت‌های ناپیوسته و متناوب دارد؛ دارای مشکلات اخلاقی حادی است؛ به‌خصوص زیاد دروغ می‌گوید؛ دست به دزدی می‌زند و از خانه فرار می‌کند؛ خانواده‌اش نظم و ثبات ندارد و گریز از مدرسه را با نقشه و رضایت انجام می‌دهد».

به گفته‌ی ویلیامز<sup>۱</sup> (۱۹۸۸). به نقل از به‌پژوه، (۱۳۷۵)، مدرسه‌گریزی عبارت است از غیبت ناموجه از مدرسه که معمولاً بدون آگاهی والدین صورت می‌گیرد و مدرسه‌گریزی پایدار ممکن است اختلال رفتاری محسوب شود.

مدرسه‌گریزی عبارت است از فرار از مدرسه بدون اجازه والدین و اولیای

مدرسه (کان<sup>۲</sup> و همکاران. نقل از سلطان‌فر، ۱۳۷۰).

1. Williams

2. Kahn

کوی<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۸۰). به نقل از خرمایی، (۱۳۷۴) به وسیله‌ی طبقه‌بندی تجربی، چهار بُعد برای اختلال‌های رفتاری مشخص ساخته‌اند: اختلال سلوک (پرخاش‌گری آشکار، منفی‌گرایی و ازهم‌گسیختگی)، اضطراب و گوشه‌گیری (بیش‌فعالی، گوشه‌گیری اجتماعی، کم‌رویی و حساسیت)، عدم پختگی (کمبود توجه، انفعال و خیال‌پردازی) و پرخاش‌گری اجتماعی‌شده (فعالیت‌های دسته‌ئی، سرقت و مدرسه‌گریزی).

غیبت مکرر دانش‌آموز از مدرسه بدون اطلاع خانواده و عذر موجه، فرار از مدرسه محسوب می‌شود. بدین معنا که دانش‌آموز از نظر خانواده به مدرسه می‌رود ولی در عمل به جای رفتن به مدرسه وقت خود را طوری دیگر می‌گذراند (گیلک‌پور، ۱۳۷۷).

دانش‌آموز مدرسه‌گریز، فردی است که بی‌اجازه از مدرسه غایب می‌شود و کودکانی که با اجازه و یا به علت بیماری بستری می‌باشند از این تعریف مستثنا هستند ( گالوی<sup>۲</sup>. به نقل از سن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴).

با توجه به این‌که مدرسه‌گریزی یک مشکل رفتاری است و در زمره‌ی اختلالات رفتاری جای دارد، به نظر می‌رسد که نیاز است تا دیدگاه‌های نظری مهم در این باره مطرح گردد.

### ۱- دیدگاه زیست‌شناختی

این دیدگاه در کلی‌ترین شکل خود حکایت از این دارد که رشد اختلال‌های رفتاری به عامل بیولوژی مربوط می‌شود. صاحبان این دیدگاه معتقد اند که آشفتگی‌های بدنی باعث رفتار پریشان می‌شود. هسته‌ی اصلی نقطه‌نظر زیست‌شناختی، نتیجه‌ی یافته‌هایی است که از رابطه‌ی بین عفونت‌ها و نواقص بدنی با رفتار پریشان به دست آمده‌است. افراطی‌ترین نظریه‌ی زیست‌شناختی معتقد است که اختلال‌های رفتاری، یا موروثی است یا ناشی از آسیب یا عفونت قبل یا بعد از تولد. نظر کمتر افراطی، باز هم بر کارکرد

1. Quay  
2. Galloway  
3. Sean



زیست‌شناختی (گرایش به کم‌رویی) و محیط اجتماعی (میزان بالای بی‌کاری و فقر در جامعه) تأکید دارد (ساراسون و ساراسون<sup>۱</sup>، ۱۹۷۷). ترجمه نجاریان و همکاران، ۱۳۷۱). در حال حاضر، پذیرفته‌ترین نقشی که درباره‌ی بیولوژی وجود دارد استعداد مزاجی و فشار خارجی است، به این مفهوم که در پدید آمدن مشکل رفتاری، آمادگی ابتلا به بیماری و رویدادهای محیطی در هم تأثیر متقابل دارند.

### ۲- دیدگاه روان‌پویشی<sup>۲</sup>

دیدگاه روان‌پویشی بر این باور است که افکار و هیجان‌ها علل مهم رفتار هستند. این دیدگاه برای تبیین اختلال‌های رفتاری سهولت آمدن به آگاهی فرد متفاوت است. فروید علاقه‌مند بود به این که چه‌گونه این مضامین روانی ناخودآگاه بر رفتار خودآگاه تأثیر می‌گذارد. او ادعا کرد که میزان تعارض درونی مربوط به رویدادهای روانی در تعیین آگاهی از آن‌ها عاملی مهم است. هر اندازه تعارض ناخودآگاه فشرده‌تر باشد، آسیب‌پذیری شخص بیشتر است. بر اساس معیارهای نظریه‌ی روان‌کاوی، انسان هنگامی بیمار می‌شود که تعادل میان عناصر اساسی شخصیت وی یعنی نهاد، خود و فراخود به هم بخورد. بیماران روانی معمولاً نهادی حریص و فراخودی به‌شدت کنترل‌کننده دارند و خود آنان تقویت‌نشده یا تحت‌فشار است (همان منبع).

### ۳- دیدگاه شناختی<sup>۳</sup>

انسان موجودی پیچیده و بگرنج است و مانند یک موجود ساده در برابر محرک‌ها عمل نمی‌کند، بلکه درباره‌ی موقعیتی که در آن قرار دارد می‌اندیشد و سپس بر حسب درک و فهم‌اش از محیط و موقعیت واکنش نشان می‌دهد. پی‌اژه در چهارچوب نگرش شناختی به مسئله‌ی اختلال رفتاری معتقد است که یکی از دو بعد رفتاری یا دچار نارسایی رشدی یا تحولی است و یا گرفتار رشدیافتگی منفی. منظور از رشدیافتگی منفی، آن جنبه از اختلال‌های رفتاری

1. Sarrason & Sarrason

2. Psychoanalysis perspective

3. Cognitive perspective

است که در محیط‌های نامناسب و یا پر از کشمکش و تضاد ایجاد می‌شود. (نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۴).

#### ۴- دیدگاه رفتاری<sup>۱</sup>

این دیدگاه بر تأثیر محیط و یادگیری در بروز اختلال‌های رفتاری تأکید دارد. واتسون، بر خلاف فروید، به عوض تعارض‌های روانی-درونی ناخودآگاه، به رویدادهای قابل رؤیت تأکید دارد. یادگیری و تأثیر محیط، کانون‌های بررسی رفتار به حساب می‌آید. روند یادگیری در سرتاسر عمر ادامه دارد و از این رو، این تصور که شکل‌گیری شخصیت تا سن مخصوصی صورت می‌گیرد نمی‌تواند معنادار باشد. این دیدگاه مشکلات رفتاری را ناشی از تعامل محیط و یادگیری می‌داند. آن‌ها معتقد اند که رفتارهای به‌هنجار و نابه‌هنجار، هر دو از محیط فراگرفته می‌شود. هم‌چنین، این دیدگاه اثرات تقویت‌کننده‌ها و الگوهای نامناسب را در پیدایش اختلال رفتاری مهم می‌داند (منشی طوسی، ۱۳۷۵).

#### ۵- دیدگاه اجتماعی

در این دیدگاه رفتار غیرانطباقی به مثابه بیماری یا مشکلی که فقط در فرد وجود داشته باشد انگاشته نمی‌شود. بلکه این دیدگاه این گونه رفتارها را، حداقل تا حدی، به عنوان نقصی در نظام حمایت اجتماعی فرد می‌بیند. این نظام شامل همسر، والدین، خواهران و برادران، وابستگان، دوستان، معلمان، سازمان‌های اجتماعی، مدرسه و نهادهای دولتی است. روان‌شناسان اجتماعی، محیط اجتماعی و عوامل وابسته به آن را مثل وضعیت اجتماعی-اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌دهند. نظریات علیت اجتماعی بر آن اند که مدارس ضعیف، جنایت، مسکن نامناسب و تعصب، در طبقه‌های پایین اقتصادی بیشتر وجود دارد. بر این اساس روان‌شناسان اجتماعی انطباق ناصحیح یا رفتار غیرعادی را نتیجه‌ی نقص نظام‌های حمایت اجتماعی می‌بینند (ساراسون و ساراسون. نقل از نجاریان، ۱۳۷۱).

### جمع بندی عوامل مدرسه‌گزینی

- ۱- عوامل مرتبط با خانواده شامل کشمکش‌ها و روابط معیوب عاطفی خانواده و عدم رسیدگی و نظارت والدین بر تحصیل و امور مربوط به آن.
  - ۲- عوامل درون‌مدرسه‌ئی شامل وجود قوانین حاکم بر مدرسه، محتوای درس‌ها، روابط معلمان با دانش‌آموزان، روابط دانش‌آموزان با هم‌سالان، نوع برخورد مدیر و معاونان مدرسه، تنبیه و توبیخ و سرزنش دانش‌آموزان.
  - ۳- نگرش، علاقه و انگیزه‌ی تحصیلی که در بروز رفتار و عمل‌کرد فرد نقشی مؤثر دارد.
  - ۴- مشکلات شخصی مانند افسردگی، اضطراب، مشکلات رفتاری و اختلال سلوک که هر عمل‌کرد تحصیلی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
  - ۵- وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده شامل فقر، کمی درآمد، بی‌سوادگی و مشکلات فرهنگی.
- در پدیده‌ی مدرسه‌گزینی بعضی رویکردها، نظام آموزشی را علت می‌دانند و بعضی دیگر بر علت‌های فردی و خانوادگی تأکید دارند. غیبت دائمی، ناموجه یا موقتی، از رفتارهای نوجوانی است. معمولاً به ندرت اتفاق می‌افتد که این حالت مداوم باشد.
- در سال ۱۹۹۳ یک تحقیق ملی در فرانسه نشان داد که ۷۸ درصد دانش‌آموزان یک روز یا بیشتر غیبت داشته‌اند و ۶ درصد اغلب غایب‌اند. یعنی ۵۵ درصد دانش‌آموزان با تأخیر به مدرسه می‌آیند و ۶ درصد به طور منظم دیر می‌آیند. ۳۲ درصد دانش‌آموزان در یک درس رد شده‌اند و ۴ درصدشان معمولاً در دو درس رد می‌شوند.
- این یافته‌ها که به وسیله‌ی شوکه<sup>۱</sup> و لودو<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) به دست آمده، اهمیت خطر ترک تحصیل را که امروزه در مدارس راهنمایی و دبیرستان فرانسه وجود

1. Chouet

2. Ledou

دارد نشان می‌دهد. به این ترتیب، در فرانسه هر سال هزاران نوجوان بی آن که دبیرستان را به پایان برسانند ترک تحصیل می‌کنند، و بعضی اوقات حتی به سن ۱۶ سالگی یعنی پایان دوره‌ی آموزش اجباری نمی‌رسند (اکبرزاده، ۱۳۸۱). در جست‌وجوی علل ترک تحصیل، دو دیدگاه مختلف وجود دارد که در عین حال مکمل یک‌دیگر اند.

۱- ظهور شکست تحصیلی را در جریان ترک تحصیل مؤثر می‌داند.

۲- ترک تحصیل را به عنوان ترکیب عوامل مستعد می‌داند.

همچنین، در تحقیقات آمریکایی آزمون سنجش ترک مدرسه به‌وسیله‌ی کرنی<sup>۱</sup> و سیلورمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) ساخته‌شده تا کنش مدرسه‌گریزی را اندازه‌گیری و درمانی برای این رفتار پیدا کند. سازنده‌ی این آزمون، به همراه کریستوفر<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) مقاله‌های فراوانی درباره‌ی بررسی‌های مجدد اعتبار آن از راه بازآزمایی و تصنیف ارائه کرده و آن را وسیله‌ی مناسب برای کمک به روان‌شناسان بالینی در تشخیص اولیه‌ی رفتار مدرسه‌گریزی می‌داند. نمونه‌هایی از نوجوانان مدرسه‌گریز به همراه والدین و معلمین خود مورد سنجش قرار گرفتند. در یک تحقیق فرانسوی، ماسون<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) کاربرد به‌موقع رفتاردرمانی شناختی را در مورد کودکان و نوجوانانی که دچار ترس از مدرسه و ترک آن هستند موفقیت‌آمیز می‌یابد (اکبرزاده، ۱۳۸۱).

تحقیق دیگری که در باره‌ی رفتار ترک مدرسه صورت گرفته، مربوط به نوجوانانی است که از لحاظ عاطفی-هیجانی دچار ناراحتی اند. الکساندر<sup>۵</sup> در پایان‌نامه‌ی دکتری خود (۲۰۰۲) می‌نویسد: رفتار ترک مدرسه موضوع مهمی است که توجه عمده‌ی متخصصین را جلب نموده‌است. در حالی که رویکردهای مختلف در مورد این مفهوم و پیچیدگی‌هایی که به‌وسیله‌ی جمعیت ناهمگنی که مدرسه را ترک می‌نماید پدید آمده، باعث گردیده‌است که روان‌شناسان در

1. Korny

2. Silverman

3. Christopher

4. Mason

5. Alexander

تشخیص، طبقه‌بندی یا انتخاب درمان جهت روشنی نداشته‌باشند. این موضوع در مورد دانش‌آموزانی که اختلال عاطفی-هیجانی دارند حجت دارد، زیرا آن‌ها در معرض خطر ترک مدرسه هستند، در حالی که تحقیقات کمتری درباره‌ی آن‌ها صورت گرفته‌است.

یافته‌های تحقیق *الکساندر*، در چهارچوب سه موضوع عمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت:

ا- انگیزه‌ی روانی و الگوی ترک مدرسه به‌وسیله‌ی کرنی و سیلورمن (۹۳-۱۹۹۰).

ب- مشخص نمودن ویژگی‌های دانش‌آموزان مدرسه‌گریز به‌وسیله‌ی پرسش‌نامه.

ج- نقش مشخصات زمینه‌ئی در ارتباط با ترک مدرسه. اولین و ابتدایی‌ترین انگیزه برای همه‌ی دانش‌آموزان عبارت بود از پاداش مثبت قابل لمس که به صورت برون‌فکنی مشکلات رفتاری نمایان می‌شد. موضوع مهم دیگر در این کودکان، مربوط به پدیده‌ی **خواب** بود که آن را مانعی عمده در منظم به مدرسه رفتن نشان می‌داد (اکبرزاده، ۱۳۸۱).

### طرح پژوهشی

طرح پژوهشی از نوع علی-مقایسه‌ئی<sup>۱</sup> است که در آن عوامل مؤثر بر فرار دانش‌آموزان از مدرسه قرار می‌گیرد. در این نوع پژوهش، متغیر مستقل قابل دست‌کاری نیست. روش علی-مقایسه‌ئی جزو پژوهش‌های توصیفی است و معمولاً به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که در آن‌ها پژوهش‌گر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. این نوع تحقیق گذشته‌نگر است و سعی بر آن دارد که از معلول به علت احتمالی پی ببرد. (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶).

### جامعه‌ی آماری

یک جامعه‌ی آماری عبارت است از مجموعه‌ی افراد یا واحدهائی که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند. معمولاً در هر پژوهش، جامعه‌ی مورد بررسی، یک جامعه‌ی آماری است که پژوهش‌گر مایل است درباره صفت(های) متغیر واحدهای آن به مطالعه بپردازد. (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶).

### نمونه‌ی آماری

نمونه‌گیری آماری پژوهش حاضر به شیوه‌ی خوشه‌ئی صورت گرفت، که ابتدا از بین مناطق نوزده‌گانه‌ی شهر تهران، ۴ منطقه به شیوه‌ی تصادفی از شمال، جنوب، غرب و شرق (مناطق ۱، ۲، ۸ و ۱۸) انتخاب شدند. سپس از بین ۴ منطقه، ۴ دبیرستان از هر منطقه و از هر دبیرستان ۴۵ نفر دانش‌آموز (۲۳ نفر گروه مدرسه‌گریز و ۲۲ نفر گروه کنترل) انتخاب گردیدند. در کل، ۱۷۹ دانش‌آموز جزو نمونه‌ی آماری بودند که ۹۲ نفر آنان جزو دانش‌آموزان مدرسه‌گریز بودند که بیش از ۵ جلسه غیبت تا نیم‌سال اول سال تحصیلی ۸۲-۸۱ داشتند؛ ۸۷ نفر هم دانش‌آموز عادی بودند که تعداد غیبت‌های‌شان کمتر از میزان مد نظر بود.

### ابزار اندازه‌گیری

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسش‌نامه‌ی دانش‌آموز است که در دو قسمت تهیه گردیده‌است. قسمت اول با ۲۱ سؤال، شامل اطلاعات فردی، خانوادگی و ارتباط با مدرسه است. قسمت دوم نگرش‌سنجی است که ۲۳ پرسش دارد و به روش لیکرت تهیه شده‌است و نگرش دانش‌آموز را نسبت به مدرسه و تحصیل می‌سنجد. علاوه بر این، از چک‌لیست مونی استفاده شده که

دارای ۴۶ سؤال است و با وضعیت فرهنگی-اجتماعی کشور هم‌خوانی دارد. این چک‌لیست، مشکلات شخصی دانش‌آموزان را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره‌گذاری پرسش‌های دو ارزشی (بلی-خیر) ۱ و ۲، و نمره‌گذاری پرسش‌های چندارزشی به روش لیکرت (از ۱ تا ۴) انجام گرفت. چک‌لیست (فرم ویژه‌ی دبیرستان) توسط کیلیگ‌پور زیر نظر پاشا شریفی تهیه گردیده و با وضعیت فرهنگی و اجتماعی کشور تطبیق داده شده‌است.

### اعتبار و روایی پرسش‌نامه

#### ۱- روایی

پرسش‌نامه‌ی دانش‌آموز در دو قسمت توسط گیلک‌پور (۱۳۷۷) تهیه گردیده و به منظور بررسی روایی آن، پس از تهیه‌ی فرم مقدماتی، به اجرای آزمایشی آن در یک گروه ۳۰ نفری پرداخته‌شده و موارد ابهام حذف گردیده‌بود. این پرسش‌نامه برای تعیین روایی صوری، توسط برخی از متخصصان مورد بررسی قرار گرفت و روایی صوری آن خوب تشخیص داده‌شد.

چک‌لیست مونی نیز در سال ۱۹۵۰ توسط گردون و مونی تهیه شده‌است. آن‌ها معتقد اند که تجاربی که در زمینه‌ی چک‌لیست مشکلات وجود دارد محقق را قادر می‌سازد که جنبه‌های خاصی از مفید بودن آن را بر حسب اهداف ساخت آن ارزیابی نماید. در این خصوص، موارد زیر نشان‌دهنده‌ی روایی آن می‌باشد (بونت، ۱۹۷۵؛ مونی و گردن، ۱۹۵۰):

- ۱- اکثر افراد به پرسش‌های آن پاسخ می‌دهند.
- ۲- بیشتر افراد با تکالیفی که در ساختار آزمون وجود دارد موافق اند.
- ۳- اغلب افراد می‌پذیرند که چک‌لیست به شکل منطقی و خوبی دامنه‌ی مشکلات فردی را در بر می‌گیرد.
- ۴- مدیران و مشاوران نتایج آن را قابل استفاده می‌دانند.
- ۵- محققان مفید بودن آن را در زمینه‌ی کارهای تحقیقی تأیید می‌کنند.

**۲- اعتبار**

پرسش‌نامه‌ی دانش‌آموزان توسط گلیک‌پور (۱۳۷۷) تهیه و بر روی یک نمونه‌ی بزرگ از دانش‌آموزان دختر و پسر در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان اجرا شده‌است. برای تعیین اعتبار آن، پس از اجرا بر روی ۳۰ نفر از دانش‌آموزان، از روش آلفای کرونباخ استفاده و برای هر متغیر، آلفای کرونباخ محاسبه گردیده‌است.

ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر انگیزش ۰/۷۵، افسردگی ۰/۸۷، اختلال سلوک ۰/۷۶، اضطراب ۰/۸۷، افت تحصیلی ۰/۷۷، نگرش ۰/۸۹، برخورد نامناسب اولیای مدرسه ۰/۷۶ و روابط عاطفی معیوب ۰/۸۸ محاسبه شد که این نتایج، همسانی و ثبات درونی بالای مقیاس را نشان می‌دهد. برای بررسی همسانی و ثبات درونی چک‌لیست مونی نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بود که همسانی بالایی را در مقیاس نشان می‌دهد.

**تجزیه و تحلیل نتایج****پیش‌بینی بر اساس معادله‌ی رگرسیون**

با توجه به نتایج پیش‌بینی رگرسیون لوجستیک که در جدول ۱ دیده‌می‌شود، ۵۳ نفر از اعضای گروه آزمایش به‌درستی در گروه مورد نظر قرار گرفته‌بودند و فقط ۵ نفر به خطا در این گروه جای داشتند که با ۳۸/۹۱٪ اطمینان می‌توان گفت که متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک (گریز از مدرسه) را دارد. در گروه عادی نیز، ۴۵ نفر به‌درستی در گروه خود قرار گرفته‌بودند و فقط ۸ نفر در جایگاه مناسب خود قرار داده‌نشده‌بودند. بنابراین، با ۹۱/۸۴٪ اطمینان می‌توان گفت که قدرت پیش‌بینی درست بوده‌است.

در کل، با توجه به نتایج دو گروه، با ۲۹/۸۸٪ اطمینان که ضریب اطمینان بالایی می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که در شناسایی و طبقه‌بندی



اعضا در گروه مورد نظر، پیش‌بینی درستی صورت گرفته و همگی توانسته‌اند با توجه به متغیرهای موجود مشکل خود را ابراز نمایند.

جدول ۱- نتایج پیش‌بینی رگرسیون لجستیک

درصد درستی	وضعیت قرارگیری در گروه		تعداد	گروه‌ها
	نادرست	درست		
٪۹۱/۳۸	۵	۵۳	۵۸	گروه مشکل‌دار
٪۸۴/۹۱	۸	۴۵	۵۳	گروه عادی
٪۸۸/۲۹	۱۳	۹۸	۱۱۱	کل

### معادله‌ی کلی رگرسیون لجستیک

$$Ln \left[ \frac{\text{گریز از مدرسه}}{\text{عدم گریز از مدرسه}} \right] = b_0 + \sum_{i=1}^{10} b_i x_i =$$

$$b_0 + b_1 x_1 + b_2 x_2 + b_3 x_3 + b_4 x_4 + b_5 x_5 + b_6 x_6 + b_7 x_7 + b_8 x_8 + b_9 x_9 + b_{10} x_{10}$$

$x_1$ : انگیزش	$x_2$ : برخورد اولیای مدرسه
$x_3$ : تأثیر هم‌سالان	$x_4$ : نگرش نسبت به مدرسه
$x_5$ : نظارت والدین	$x_6$ : وضعیت اقتصادی خانواده
$x_7$ : افت تحصیلی	$x_8$ : افسردگی
$x_9$ : اضطراب	$x_{10}$ : کشمکش و روابط معیوب والدین

با توجه به  $x^2 = ۹۵/۸۵$  محاسبه‌شده در سطح معناداری  $۰/۰۰۱$  و بر اساس مدل‌های Block و Step می‌توان استنباط نمود که متغیرهای پیش‌بینی‌کننده قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک (گریز از مدرسه) را داشتند و با درصد بالایی از اطمینان می‌توان تفاوت بین دو گروه دانش‌آموز (مشکل‌دار و عادی) را مشاهده نمود.

جدول ۲- محاسبه‌ی رگرسیون لجستیک

متغیر	در معادله (b)	ضریب متغیر	انحراف معیار	Wald	درجه‌ی آزادی	معناداری	هم‌بستگی
انگیزش تحصیلی	۰/۹۱	%۳۷	۵/۷۸	۵/۷۸	۱	۰/۱۶	۰/۱۵
برخورد اولیای مدرسه	۰/۵۶	۰/۳۴	۲/۶۶	۲/۶۶	۱	۰/۱۰	۰/۶۶
اثر هم‌سالان	۱/۰۵	۰/۶۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۱	۰/۸۶	۰/۰۰
نگرش نسبت به مدرسه	۰/۹۲	۰/۵۸	۲/۵۴	۲/۵۴	۱	۰/۱۱	۰/۵۵
میزان نظارت والدین	۱/۴۶	۰/۷۷	۳/۶۰	۳/۶۰	۱	۱/۰۰	۰/۶۵
اضطراب	-۱/۱۳	۰/۴۵	۶/۱۳	۶/۱۳	۱	۱/۰۰	۰/۶۶
کشمکش و روابط معیوب والدین	۰/۴۷	۰/۲۹	۲/۶۷	۲/۶۷	۱	۰/۰۱	۰/۶۶

با توجه به نتایج، می‌توان گفت که بین متغیر انگیزش تحصیلی و فرار از مدرسه رابطه وجود دارد. ضریب منفی  $b$  نشان‌دهنده‌ی ارتباط معکوس بین دو متغیر است. هر قدر انگیزش تحصیلی پایین‌تر باشد، رفتار فرار از مدرسه شدیدتر خواهد شد. چنان که با مشاهده‌ی  $Wald = ۵/۷۸$  به معنادار بودن تفاوت بین متغیر پیش‌بینی‌کننده و متغیر پیش‌بینی‌شونده پی می‌بریم.

بین متغیر برخورد اولیای مدرسه با دانش‌آموزان و متغیر پیش‌بینی‌شونده‌ی مدرسه‌گریزی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یعنی این‌که هر قدر برخورد اولیای مدرسه دورتر از معیارهای ذهنی و عینی دانش‌آموزان باشد، رفتار مدرسه‌گریزی شدیدتر خواهد شد.  $Wald = ۲/۶۶$  نشان‌دهنده‌ی تفاوت معنادار بین دو متغیر پیش‌بینی‌کننده و ملاک است.

با توجه به نتایج می‌توان گفت که متغیر تأثیر هم‌سالان اثر چندانی بر رفتار مدرسه‌گریزی ندارد و بین این دو متغیر رابطه‌ی معناداری دیده‌ نمی‌شود. مقدار محاسبه‌شده‌ی  $Wald = ۰/۳۰$  نیز که کمتر از ۱ می‌باشد، نشان‌دهنده‌ی این است که سایر متغیرها تأثیر بیشتری در رفتار مدرسه‌گریزی دارند.

رابطه‌ی معناداری بین متغیر نگرش نسبت به مدرسه و متغیر پیش‌بینی‌شونده‌ی گریز از مدرسه وجود دارد، زیرا  $Wald = ۲/۵۴$  نشان‌گر تفاوتی معنادار بین دو گروه و نیز قدرت پیش‌بینی متغیر نگرش نسبت به مدرسه بر متغیر ملاک است. یعنی هر قدر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مدرسه منفی‌تر باشد، میزان مدرسه‌گریزی آنان بیش‌تر خواهد بود.

بین دو متغیر میزان نظارت والدین و گریز از مدرسه نیز رابطه‌ی معناداری وجود دارد، یعنی هر قدر نظارت والدین کم‌تر باشد، دانش‌آموز راحت‌تر به این رفتار متوسل می‌شود.  $Wald = ۳/۶۰$  نیز قدرت پیش‌بینی این متغیر را تأیید می‌کند.

رابطه‌ی معنادار بین دو متغیر پیش‌بینی‌کننده‌ی اضطراب و متغیر ملاک مدرسه‌گریزی وجود دارد. یعنی هر قدر میزان اضطراب دانش‌آموزان بیش‌تر باشد میزان رفتار گریز از مدرسه در آنها افزوده خواهد شد. بر اساس  $Wald = ۶/۱۳$  به‌خوبی می‌توان گفت که این متغیر از قدرت پیش‌بینی خوبی برخوردار است.

متغیر روابط معیوب والدین نیز قدرت پیش‌بینی رفتار مدرسه‌گریزی را دارد، زیرا با مشاهده‌ی  $Wald = ۲/۶۷$  می‌توان گفت تفاوت بین دو گروه دانش‌آموزان مشکل‌دار و عادی در این دو متغیر معنادار است. یعنی هر قدر والدین دانش‌آموز ناسازگارتر و روابطشان معیوب‌تر باشد، به همان میزان بر رفتار مدرسه‌گریزی دانش‌آموز افزوده خواهد شد.

## بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد تا عوامل ریسک رفتاری شناسایی و از طریق عوامل پیش‌بینی‌کننده، متغیر ملاک مدرسه‌گریزی (پیش‌بینی‌شونده) بررسی شود. با مطالعه‌ی ادبیات تحقیق چند عامل مؤثر بررسی شد که نخستین عامل انگیزش و علاقه‌ی تحصیلی بود. این که میزان انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان

تا چه اندازه سبب تسهیل فرآیند تحصیلی و برعکس، سبب گریز دانش‌آموزان از محیط مدرسه می‌گردد. با توجه به معنا و تعریف انگیزش که حالتی است درونی که سبب هدایت رفتار ارگانیزم به سوی هدف می‌گردد، با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان این گونه قضاوت نمود که دانش‌آموزان دختر مدارس در این عامل دچار مشکل می‌باشند و از انگیزه‌ئی کافی برای تحصیل و یا ابقا در محیط مدرسه برخوردار نمی‌باشند. از آنجا که شرط موفقیت در هر امری بستگی مستقیم به انگیزه‌ی افراد دارد، اگر ارگانیزم انسانی از این امر تهی باشد نمی‌توان فقط با مشوق‌های محیطی او را پای‌بند به امور نمود، زیرا فرد به طور خودبه‌خود تمایلی به انجام عملی که از او خواسته‌شده ندارد.

در امر برانگیختگی فرض بر آن است که انگیزه‌های بیرونی و درونی با هم وارد عمل شوند، به‌ویژه برای افرادی که در این زمینه دچار مشکل هستند؛ ولی اگر هیچ یک موجود نباشد، موجود انسانی به شیئی تهی تبدیل می‌شود که قدرت شروع و یا اتمام هیچ عملی را ندارد و در مدت زمان اندک ممکن است به اعمال متفاوتی بپردازد بدون آن که قصد و منظوری در کار باشد و در نهایت به ترک آن عمل متوسل شود. در ارتباط با این مشکل، وود و زابل (۱۹۷۸) در تحقیقی که انجام داده‌اند، معتقد اند که ۲ تا ۳ درصد کودکان و نوجوانان مدرسه‌گریز دارای مشکلات انطباقی و یا سازشی از نظر مقررات مدرسه می‌باشند و نیاز به این است که مدارس از برنامه‌هایی ویژه و درازمدت جهت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برخوردار باشند.

اگر میزان انگیزه و علاقه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان ضعیف باشد، دائم دچار انزجار و تنفر از مدرسه خواهند بود و به رفتارهای گریز از مدرسه متوسل می‌شوند. این مورد، موافق با یافته‌های این پژوهش است که اکثریت دانش‌آموزان مورد تحقیق، رفتار گریز از مدرسه‌ی خود را موجه جلوه می‌دهند، در حالی که این رفتار خود نمونه‌ئی است از مشکلات سازشی که در آن فرد قدرت حل مسئله را از دست می‌دهد و به صورت دفاعی به رفتار گریز و اجتناب متوسل می‌شود.

عامل اثرگذار دیگر بر مدرسه‌گزیزی تأثیر هم‌سالان است که تقلید از دوستان و همتایان تعریف شده‌است. با این‌که نمونه‌ی تحقیق قشر نوجوان است و یکی از ویژگی‌های بارز این دوره پیوستن به گروه‌های هم‌سال می‌باشد، ولی نتایج تحقیق به یافته‌ی معنادار مطمئنی در این زمینه دست نیافت و ضریب معناداری بسیار پایینی نشان داد.

این مورد را این‌گونه می‌توان تفسیر نمود که دانش‌آموز مدرسه‌گزیز کمتر به گروه هم‌سالان خود اعتماد دارد و در این برهه سعی دارد تا به‌تنهایی مشکلات شخصی، تحصیلی و اجتماعی خود را حل کند و کمتر هم‌سالان خود را به عنوان الگو می‌پذیرد. شاید هم به خاطر شیوه‌های خاص تربیتی موجود در خانواده‌ها است که والدین میزان ارتباط فرزند خود را کنترل می‌کنند و تلاش می‌کنند که فرزندان‌شان طبق هنجارهای آنان رفتار نماید. نوجوان هم در اعتراض به این شیوه‌ی تربیتی، از طریق غیرمستقیم به مقابله با خانواده می‌پردازد و به شکل‌های گوناگون مخالفت خود را نشان می‌دهد؛ از جمله مدرسه‌گزیزی، از طریق تعارض، یا حضور در مدرسه و عدم حضور در کلاس، و یا با عدم حضور در مدرسه و وقت‌گذرانی در پارک‌ها یا خیابان‌ها.

این مورد نیز به نوبه‌ی خود قابل بحث است که چرا نوجوان امروزی، با وجود دوستان هم‌سال، تنهایی و انزوا را انتخاب می‌کند و سرانجام به رفتارهای اجتنابی متوسل می‌شود. بر اساس دیدگاه رفتارگرایی می‌توان این‌گونه تفسیر نمود که این رفتار، رفتاری یادگرفته‌شده‌است و دانش‌آموزان مدرسه‌گزیز با توسل به این رفتارها تقویت دریافت می‌کنند و خود را از سرزنش و یا اجرای مقررات خشک مدارس محفوظ نگه می‌دارند.

تحقیق آدانا<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) نشان داده‌است که یکی از عوامل مدرسه‌گزیزی تأثیر هم‌سالان می‌باشد، اما این مورد هم‌خوانی چندانی با یافته‌ی تحقیق حاضر ندارد. در تحقیقی دیگر نیز، که توسط گیلک‌پور (۱۳۷۷) صورت پذیرفت، باز نقش تأثیر هم‌سالان محرز بود که این مورد هم موافق نتایج تحقیق حاضر

نیست. شاید بتوان این پدیده را این گونه تفسیر نمود که با گذشت زمان و کوچک‌تر شدن دامنه‌ی خانواده‌ها و کم شدن میزان ارتباط آن‌ها با یک‌دیگر، فرزندان نیز به پیروی از والدین خود، دامنه‌ی ارتباط خود را محدود می‌کنند و سعی دارند که بیشتر اوقات را با اعضای خانواده‌ی خود بگذرانند.

به دنبال این پدیده، می‌توان به مشکلی دیگر اشاره نمود و آن نقص در کسب مهارت‌های اجتماعی است. یعنی هر قدر میزان ارتباطات بین نسلی ضعیف‌تر باشد و میزان تعامل افراد به حداقل برسد، شاهد بروز مشکلات روانی و رفتاری بیشتری خواهیم بود. مشکلاتی هم‌چون افسردگی و اضطراب که افراد احساس بی‌پناهی و درماندگی می‌کنند و دائم نگران این هستند که اگر اتفاقی بیافتد از کمک چه کسانی می‌توانند بهره‌مند شوند و برای رهایی از این قییل افکار به رفتارهای گریز و اجتناب متوسل می‌شوند.

دیگر عامل مؤثر و پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتار مدرسه‌گریزی **کشمکش و روابط معیوب عاطفی خانواده** است که با زد و خورد اعضای خانواده، فقدان والدین و جدایی والدین تعریف شده‌است. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان اظهار داشت که تفاوت معناداری بین رفتار مدرسه‌گریزی و روابط عاطفی معیوب والدین وجود دارد؛ یعنی هر چه بیشتر میزان روابط معیوب و مختل باشد، رفتار مدرسه‌گریزی نیز افزایش می‌یابد. دانش آموز نهایت استفاده را از این شرایط می‌برد و به راحتی قدرت توجیه این مسئله را پیدا می‌کند و از نظر میزان مسئولیت‌پذیری خود را در حداقل شرایط قرار می‌دهد. وی والدین را مجرمین این پدیده معرفی می‌کند که شاید تا اندازه‌ی هم استدلال او درست باشد، زیرا والدین اولین الگوی همانندسازی فرزندان اند. وقتی نوجوان در همانندسازی با الگوی دردسترس دچار مشکل و تناقض باشد، ناخواسته به رفتارهای انحرافی متوسل می‌شود که یکی از این رفتارها، مدرسه‌گریزی است؛ زیرا دانش‌آموز با حضور در مدرسه احساس ناامنی می‌کند، همیشه نگران اوضاع خانواده است که نکند در غیاب او اتفاقی برای والدین بیافتد. پس سعی

می‌کند حداقل حضور را در مدرسه داشته‌باشد تا از این طریق به کنترل وضعیت خانواده بپردازد.

بر طبق دیدگاه اجتماعی و بر اساس نظریات علیت اجتماعی، مدارس ضعیف، مسکن نامناسب، خانواده‌ی ناهنجار و طبقه‌ی اقتصادی-اجتماعی پایین از عوامل ایجادکننده‌ی رفتارهای ناهنجار هستند و این رفتارها ناشی از نقص نظام‌های حمایت اجتماعی است. منظور از فضای عاطفی-روانی خانواده، مجموعه‌ی است از روابط و تعاملات بین اعضای خانواده. افراط و تفریط در زمینه‌هایی همچون پذیرش، توجه و مراقبت، آزادی، توقع و انتظار سبب مشکلات رفتاری فرزندان خواهد شد.

در همین راستا، هونی<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) تحقیقی بر روی نوجوانان امتناع‌کننده از حضور در مدرسه انجام داد. در پژوهش او ۲۲ دانش‌آموز پسر دبیرستانی و والدین‌شان حضور داشتند و در مورد پدیده‌ی مدرسه‌گریزی مورد مصاحبه قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده مجموعه‌ی پویایی خانواده بود و این که تعارض خانوادگی سبب تشدید مدرسه‌گریزی می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوان می‌باشد.

تحقیقی دیگر توسط سعیدی (۱۳۷۴) تحت عنوان *بررسی علل فرار نوجوانان فراری از خانه* صورت گرفت که نتایج تحقیق او نشان‌دهنده‌ی رفتار بزه‌کاری به دنبال رفتار فرار از خانه است. یکی از یافته‌های قابل توجه تحقیق او این مسئله بود که ۱۰۰٪ نوجوانان فراری، وجود ناسازگاری و روابط معیوب عاطفی بین والدین خود را به عنوان علت عمده‌ی رفتار ناسازگار معرفی نمودند و اکثر دانش‌آموزان، قبل از فرار از مدرسه، رفتار فرار از خانه را تجربه کرده‌بودند. این مورد نیز هم‌خوان با نتایج پژوهش حاضر است.

تحقیق گیلک‌پور (۱۳۷۷) نیز بر همین نکته تأکید دارد که خانواده‌های ازهم‌گسیخته و خانواده‌هایی که نظارت حداقل بر امور فرزندان خود دارند، شانس ابتلا به رفتار مدرسه‌گریزی را افزایش می‌دهند. با توجه به نتایج

تحقیقات صورت گرفته جا دارد که ساختار خانواده و نوع تعاملات اعضا مورد بررسی و بازسازی قرار گیرد تا فرزندان خانواده‌ها با اطمینان از چتر حمایت والدین به رفتارهای ناهنجار فرار و گریز متوسل نشوند. این مورد از طریق آموزش‌های خانواده امکان‌پذیر است. والدینی که از حداقل تحصیلات و بینش برخوردار می‌باشند، برای هم‌رنگ شدن با فرزندان خود به کنترل شدید آن‌ها یا بخشیدن آزادی افراطی به آنان می‌پردازند که به تخریب نسل آینده می‌انجامد. عامل اثرگذار دیگری که پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتار مدرسه‌گریزی است نگرش نسبت به مدرسه می‌باشد که طبق تعریف عبارت است از ارزش‌یابی‌های مثبت و منفی و تمایل یا عدم تمایل نسبت به یک موضوع، و آمادگی ذهنی که سبب واکنش مثبت و منفی نسبت به مدرسه می‌گردد.

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که تفاوتی معنادار بین متغیر نگرش نسبت به مدرسه و رفتار گریز از مدرسه وجود دارد. یعنی هر چه میزان نگرش دانش‌آموزان نسبت به مدرسه منفی‌تر باشد نرخ رفتار مدرسه‌گریزی افزایش می‌یابد و برعکس. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت که دانش‌آموزان مدرسه‌گریز برداشت و تلقی‌شان از مدرسه منفی و محیط مدرسه برای‌شان ناخوش‌آیند است. برداشت آنان از تحصیل، تحت تأثیر ذهنیتی منفی است که خود نتیجه‌ی شناخت نادرست می‌باشد.

یکی از معضلات جامعه‌ی کنونی این است که تحصیل باید همراه با موفقیت اجتماعی بالا و درآمد سطح بالا باشد، ولی در عمل این نگرش با تناقضی مواجه شده که کمی درآمد و شاید بی‌کاری افراد تحصیل‌کرده است. به همین دلیل دانش‌آموزان مدارس، به طور کلیشه‌ئی به این طرز فکر متوسل می‌شوند که بیهوده‌ترین کار، تحصیل و صرف وقت در مدرسه و دانشگاه است و ناآگاهانه به راه‌کاری موقتی و مخرب (فرار از مدرسه) متوسل می‌شوند تا از این طریق به ارضای نیازهای آنی خود بپردازند. بنابراین، جا دارد که معلمین و سایر دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت این بینش و نگرش را در بین آنان ترویج نمایند که تحصیل لزوماً منجر به شغل نمی‌شود، بلکه بهترین تحصیل



آن است که در عمل جلوه کند و بر رفتار و شخصیت فرد تأثیر بگذارد، بینش و آگاهی او را بالا ببرد، او را شهروندی مطلوب و مؤثر بار آورد و روحیه و ذوق زیباشناسی را در او تقویت نماید. بهتر است افراد در کنار تحصیل به یادگیری عملی و فنی هم بپردازند تا از این طریق، هم به بهبود وضعیت مالی خود بپردازند و هم این‌که در کل جامعه به فردی پویا و فعال تبدیل شوند.

یکی از وظایف مهم و خطیر والدین و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت توجه به این نکته است که هیچ کودکی متدین، آزاداندیش و با نگرش مثبت یا منفی متولد نمی‌شود، بلکه نگرش، نوع باور فرد است که در اثر زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. شکل‌گیری نگرش‌ها ممکن است تحت شرایط شرطی شدن، یادگیری اجتماعی و سرمشق‌گیری صورت پذیرد. نوجوان در دوره‌ی نوجوانی به دنبال الگوهای معنی‌دار است و یکی از آن گروه‌ها، معلمین، ستاره‌های ورزشی و نخبگان علمی هستند که قطعاً نقشی تعیین‌کننده در این زمینه دارند. اگر جوّ مدارس، جوّی دوستانه، جالب و خوش‌آیند باشد، زمینه‌ی بسیار مناسبی برای حضور و عامل تقویتی برای افزایش حضور خواهد بود. نتایج تحقیق آدنا (۱۹۸۷) با این مورد هم‌خوان می‌باشد.

عامل مؤثر و پیش‌بینی‌کننده‌ی دیگر در رفتار مدرسه‌گزیزی میزان رسیدگی والدین به امور تحصیلی فرزندان است. بر اساس یافته‌های تحقیق این گونه استنباط می‌شود که تفاوت معناداری بین میزان نظارت والدین و رفتار مدرسه‌گزیزی دانش‌آموزان وجود دارد، یعنی هر چه میزان نظارت والدین کمتر باشد بر نرخ رفتار مدرسه‌گزیزی افزوده خواهد شد.

آیانی<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) در تحقیقی که انجام داد به بررسی ارتباط بین بی‌سوادی والدین و مدرسه‌گزیزی ۲۰۰ دانش‌آموز شهر و روستا پرداخت. نتایج نشان داد که بی‌سوادی والدین، خصوصاً پدران، با مدرسه‌گزیزی فرزندان‌شان رابطه دارد.

علاوه بر آن بین میزان علاقه‌ی دانش‌آموزان به تحصیل و میزان رسیدگی والدین به امور تحصیلی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

هم‌چنین، در تحقیقی آینده‌نگر که توسط فرگوسن<sup>۱</sup> و هرود<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) انجام شد، رابطه‌ی معنادار بین مشکلات رفتاری در سن ۸سالگی و نتایج آن بر زندگی ۱۸سالگی مشاهده گردید، زیرا مشکلات رفتاری سن ۸سالگی سبب می‌گردد که والدین و معلمین، دانش‌آموز را فردی مشکل‌دار و غیرعادی فرض کنند و او را از جمعیت عادی جدا سازند. این مورد، باعث تخریب زندگی آینده‌ی فرد خواهدشد و هر قدر بر سن افراد افزوده‌شود بر میزان رفتارهای ناسازگار آن‌ها نیز افزوده‌خواهدشد. به عبارتی، می‌توان گفت که نوجوان به این سبک زندگی خو می‌گیرد. این یافته مطابق با یافته‌های تحقیق حاضر است.

نتایج تحقیق گیلک‌پور (۱۳۷۷) نیز مطابق با یافته‌های این پژوهش است. او به این نتیجه رسید که بین رفتار مدرسه‌گریزی و میزان نظارت والدین بر امور فرزندان رابطه‌ی معنادار وجود دارد و با مقایسه‌ی نتایج دو گروه از کودکان مشکل‌دار و عادی این تفاوت محرز خواهدبود. در همین جا است که باید به نقش خطیر اولیا پرداخت و این که از چه سبک کنترلی برای نظارت فرزندان خود استفاده کنند تا نوجوان خود را کاملاً رهاشده یا کاملاً تحت فشار احساس نکند و نیز این که چه‌گونه از شیوه‌های غیرمستقیم برای کنترل فرزندان بهره‌مند شوند. به نظر می‌رسد قبل از اتخاذ هر نوع شیوه نظارت و کنترل، باید به ایجاد رابطه‌ی مثبت و مطمئن حاکی از هم‌دلی با نوجوان پرداخت و بدنبال بنای چنین رابطه‌ی از شیوه‌های نظارت غیرمستقیم نیز استفاده نمود تا فرزندان نیز به این درک نایل شوند که والدین‌شان دوست و همراه آنان است و قاطعیت و عطف و والدین را یک‌جا و با هم بپذیرند.

آخرین عامل مؤثر و پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتار مدرسه‌گریزی میزان اضطراب و افسردگی دانش‌آموزان است. این متغیر تحت عنوان حالی روانی که احساس غمگینی، تنهایی، ناامیدی، ضعف عزت نفس و تقبیح خود را به‌همراه دارد

1. Fergosen

2. Herod

تعریف شده‌است. از علائم محرز این متغیر انزوا، بی‌خوابی و بی‌اشتهایی است. اضطراب نیز به عنوان احساسی رنج‌آور تعریف شده است که با انتظار خطری از شیئی نامعین همراه است.

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان گفت که بین میزان اضطراب و افسردگی و رفتار مدرسه‌گریزی رابطه‌ی معنادار وجود دارد، یعنی هر قدر بر میزان اضطراب و افسردگی دانش‌آموزان افزوده‌شود نرخ رفتار مدرسه‌گریزی نیز افزایش می‌یابد. بر اساس دیدگاه روان‌پوشی می‌توان گفت که هر قدر میزان تعارض ناهشیار فرد بیشتر باشد میزان آسیب‌پذیری او نیز بیشتر خواهد بود که نتیجه‌ی این حالات اضطراب می‌باشد.

بر اساس مشکل افسردگی، دانش‌آموزانی که مجبور اند سر کلاس درس بی‌سروصدا و بی‌حرکت باشند و تنها، تکالیفی را که به آن‌ها داده می‌شود انجام دهند، تکالیفی که مبهم و بیهوده بوده و ارتباطی با نیازهای زندگی‌شان نداشته‌باشد، در جریان تعلیم و تربیت به موجوداتی منفعل تبدیل می‌شوند که مجبور اند به رفتارهای کلیشه‌ئی و قالبی بپردازند، به همین دلیل انگیزه‌ی خود را برای تحصیل و فعالیت از دست داده و در نتیجه به افسردگی مبتلا می‌شوند و جهت‌رهایی از مشکل افسردگی و اضطراب به رفتار مدرسه‌گریزی می‌پردازند که در این زمینه ممکن است به ناراحتی‌های روان-تنی نیز منجر گردد.

بل و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) در تحقیقی که در دانشگاه ایالتی کلرادو انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که سه عامل (شخصی، درون‌مدرسه‌ئی و خانوادگی) در رفتار گریز از مدرسه دخیل است. دانش‌آموزان مدرسه‌گریز واجد اضطراب، اختلال سلوک<sup>۲</sup> و افسردگی هستند که هر سه‌ی این عوامل، از عوامل مؤثر در رفتار مدرسه‌گریزی است. این یافته مطابق با یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌باشد.

1. Bell et al

2. Conduct disorder

کاپلان<sup>۱</sup> و سادوک<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) معتقد اند که عمل کرد تحصیلی ضعیف، سوءاستفاده از مواد مخدر، رفتار ضداجتماعی، بی‌مبالاتی جنسی و فرار از مدرسه و منزل، از علائم افسردگی در نوجوانی است.

آدامز<sup>۳</sup> (۱۹۷۸) معتقد است که دانش‌آموزان به این خاطر از مدرسه فرار می‌کنند که در برخورد با فشارهای درون مدرسه ناتوان هستند.

با استفاده از تست کوپر/اسمیت و تست راتر ویژگی‌های شخصیتی کودکان مدرسه‌گریز مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که دانش‌آموزان مدرسه‌گریز از اعتمادبه‌نفس کمتری برخوردار اند و نهایتاً به افسردگی مبتلا می‌شوند. این مورد نیز موافق با یافته‌های پژوهش حاضر است.

هونی (۱۹۸۶) با توجه به نتایج تحقیق خود دریافت که مدرسه‌گریزان را می‌توان در طبقات مختلف قرار داد و یکی از آن طبقات، طبقه‌ی نوروپیک‌ها است: کسانی که از اضطراب رنج می‌برند.

نتایج تحقیق گیلک‌پور (۱۳۷۷) نیز نشان داد که یکی از عوامل مؤثر در فرار از مدرسه، اضطراب و افسردگی دانش‌آموزان است که این مورد نیز موافق با یافته‌های پژوهش حاضر است.

به طور کلی، با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر و سایر تحقیقات صورت‌گرفته می‌توان نتیجه گرفت که عوامل مدرسه‌گریزی در چند طبقه‌ی عمده جای دارد:

۱- طبقه‌ی خانواده که دربرگیرنده‌ی کشمکش‌ها و روابط معیوب عاطفی خانواده، و عدم نظارت و رسیدگی بر امور فرزندان است. اکثر پژوهش‌ها این مورد را تأیید نمودند و همگی در یک جهت قرار داشتند.

۲- عوامل درون‌مدرسه شامل قوانین حاکم بر مدرسه، محتوای درس‌ها، روابط معلم و شاگرد و نوع برخورد کارکنان مدرسه با دانش‌آموزان، که همه‌ی

---

1. Kaplan

2. Sadock

3. Adams

تحقیقات به نتایج مشابهی در این زمینه دست یافتند؛ پس می‌توان گفت که پیش‌بینی‌کننده‌ی مناسبی برای رفتار مدرسه‌گزیزی است.

۳- نگرش، باور و علائق شخصی و انگیزه‌ی تحصیلی که تأثیر عمده‌ئی بر عمل‌کرد دانش‌آموزان دارد. این موارد نیز، همه توسط تحقیقات به اثبات رسیده‌است.

۴- مشکلات شخصی شامل افسردگی و اضطراب که عمل‌کرد تحصیلی و رفتاری فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تقریباً دارای رتبه‌ی بالایی در تعیین رفتار مدرسه‌گزیزی می‌باشد.

### پیشنهادها

۱- برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، بهتر است ساعاتی در طول هفته، نزدیک به ۲ ساعت، تحت عنوان بحث آزاد در نظر گرفته‌شود و از معلم یا مشاوره‌ی که مورد اعتماد دانش‌آموزان است برای اداره‌ی کلاس استفاده نمود. معلم مذکور باید از اصول و فنون مشاوره تا اندازه‌ئی مطلع باشد تا از این طریق بتواند رهبری گروه را عهده‌دار باشد. اگر دانش‌آموزان در چنین کلاس‌هایی به تخلیه‌ی خود بپردازند، دیگر ضرورتی برای فرار از مدرسه نمی‌بینند.

۲- دانش‌آموزان مشکل‌دار مدارس نباید به عنوان افرادی شاخص و برجسته‌خورده معرفی شوند. در برخورد با آنان باید جانب احتیاط را رعایت نمود و در بررسی مشکلات انضباطی نباید آنان را بعنوان افراد مطرح مورد بررسی قرار داد.

۳- برای کنترل اضطراب دانش‌آموزان باید شیوه‌های مقابله با اضطراب را به آن‌ها آموزش داد. به نظر می‌رسد برای حل این مشکل بهتر است فرآیند حل مسئله را گاه‌گاهی با استفاده از مشکلات خودشان مورد بررسی قرار داد.

- ۴- تجدید نظر در تألیف کتب درسی، که هم دانش‌آموز و هم معلم در استفاده از آن‌ها احساس خوبی داشته‌باشد و احساس کند که پاسخ سوال‌هایش در کتاب گنجانده شده‌است.
- ۵- بررسی جوّ حاکم بر خانواده‌ی دانش‌آموزان مدرسه گریز و این‌که از کدام شیوه‌ی تربیتی برای برخورد با فرزندان استفاده می‌کنند: شیوه‌های پذیرنده، ناپذیرنده، استبدادی، آسان‌گیر، اقتداری و طردکننده.
- ۶- محترم شمردن احساس استقلال نوجوان، زیرا حس استقلال به معنای کفایت و صلاحیت نوجوان است.
- ۷- در برخورد با نوجوان، هم حمایت والدین مد نظر قرار گیرد و هم استقلال عاطفی نوجوان محترم شمرده‌شود.
- ۸- تقویت رویه‌ی وابستگی توأم با ایمنی برای کنترل اضطراب و افسردگی و پیوستن به هم‌سالان.
- ۹- ایجاد فضای حاکی از درک متقابل در محیط خانواده و انتقال آن به مدرسه.
- ۱۰- طرح سوال‌هایی که از متن زندگی دانش‌آموزان برخیزد و آنان را به تفکر وادار کند. مثلاً «با دانش‌آموزی که دوست دارد مرکز توجه باشد چه‌گونه باید رفتار نمود؟» یا «آیا کسی را می‌شناسید که بیش از حد مجاز غیبت داشته باشد؟» و یا «چرا بعضی از معلمان را بیشتر دوست دارید و بعضی را کمتر؟».
- ۱۱- در نظر گرفتن درسی تحت عنوان «مهارت‌های زندگی» در دوره‌ی دبیرستان.
- ۱۲- به‌کارگیری دبیران ورزش جوان جهت افزایش اعتمادبه‌نفس و تقویت روحیه‌ی خودباوری در دانش‌آموزان.

## منابع

- ۱- اکبرزاده، نسرين، ۱۳۸۱. فرار از مدرسه و مقابله با بحران.
- ۲- امين‌فر، مرتضا، ۱۳۶۷. «علل و عوامل افت تحصیلی و چه‌گونگی کاهش آن». فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت. شماره‌ی ۱ و ۲.
- ۳- پاشا شریفی، حسن، ۱۳۷۱. «چه‌گونگی شکل‌گیری نگرش‌های دانش‌آموزان». مجموعه‌مقالات سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش ابتدایی.
- ۴- خرمایی، فرهاد، ۱۳۷۴. بررسی نقش کشمکش‌های خانوادگی در بروز مشکلات رفتاری فرزندان شاهد. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- ۵- خیر، محمد، ۱۳۶۵. «رابطه‌ی شکست تحصیلی، زمینه‌ها و شرایط خانوادگی». مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز.
- ۶- دادستان، پریخ، ۱۳۷۶. روان‌شناسی مرضی. تهران. انتشارات سمت.
- ۷- ساراسون، پروین؛ ساراسون، باربارا، ۱۹۸۷. روان‌شناسی مرضی. ترجمه‌ی بهمن نجاریان، محمدعلی اصغری مقدم، محسن دهقانی، ۱۳۷۱. تهران. انتشارات رشد.
- ۸- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. روش‌های تحقیق در علوم فن‌آوری. تهران. انتشارات آگاه.
- ۹- سعیدی، محمد، ۱۳۴۷. «گزارش‌های مختصر پیرامون طرح و بررسی علل فرار نوجوانان از خانه». ماه‌نامه‌ی اصلاح و تربیت. مرکز آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها.
- ۱۰- کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنیامین، ۱۳۷۶. خلاصه‌ی روان‌پزشکی. ترجمه‌ی نصرت‌الله پورافکاری. تبریز. انتشارات ذوقی.
- ۱۱- کریمی، یوسف، ۱۳۷۳. روان‌شناسی اجتماعی. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۲- گلزاری، محمود، ۱۳۶۸. «ترس از مدرسه یا ...». مجله‌ی رشد معلم. سال هشتم. شماره‌ی ۱، شماره‌ی مسلسل ۵۸.
- ۱۳- گیلک‌پور، خدیجه، ۱۳۷۷. بررسی علل فرار دانش‌آموزان از مدرسه. طرح تحقیقاتی اداره‌ی کل آموزش و پرورش شهر تهران.

- ۱۴- منشی طوسی، محمدتقی، ۱۳۶۹. *اختلال‌های رفتاری کودکان*. انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۵- نوایی‌نژاد، شکوه، ۱۳۷۳. *رفتار به‌هنجار و نابه‌هنجار در کودکان و نوجوانان، راه‌های پیش‌گیری*. انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۱۶- نوری، محمد، ۱۳۷۹. *بررسی پدیده‌ی مدرسه‌گریزی دانش‌آموزان مقطع دبستان*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه تهران.
- ۱۷- سرمد، زهره، ۱۳۷۶. *جزوه‌ی درسی دوره‌ی دکترای دانشگاه تهران*.
- 18- Adana, B., 1987. "A Comparison of Teacher's and Views Truancy in Nigerian". *Secondary Schools*, Journal of Guidance 8 Counselling. 3.1-2.
- 19- Miller, D., 1986. *Effect of a Program, A therapeutic discipline on the attitude attendance, and in sight of truant adolescents*. Journal of Experimental psychology. 55,1,49-52
- 20- O'Keefe, D., 1994. *Truancy in English Secondary School*. A report prepared the DFE, London. HMS.
- 21- Reid, K., 1986. *Combating school Absenteeism*. Hodder and Stought. N London.
- 22- Sean, G., 1994. *Truancy: its measurement and causation a brie preview of the literature*. The Report of the North London Tracey Unit.
- 23- Smith, M., 1996. *School Attendance in Hertfordshire Educational Research*. 38, 2, 226, 232.
- 24- Tyerman, M., 1968. *Truancy*. University of London Press.
- 25- Williams, P., 1974. *Collecting the Figures in Turner*.
- 26- Yokta, M., 1986. *Children in the Lower Socioeconomic Class Who Do not Attend School*. A Case Report. Journal of Mental Health. 33, 245-253.